

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نمایه مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۰۵۵ رده بندی کنگره: الف ۲۴/۴۸۸

اصل برائت و اماره مجرمیت

فریدبقائی نظریو^۱

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

چکیده

اصل برائت در حقوق به این معنی است که باید متهم را بی گناه دانست مگر اینکه با رسیدگی صحیح و دادرسی عادلانه جرم متهم در مرجع صالح و قانونی اثبات شود. قانون اساسی در کشور ما، در اصل مختلف از جمله اصل ۳۷، ۳۸ و ۳۹ خود اصل برائت را مورد حمایت قرار داده است. اصل برائت یک اصل عقلی و منطقی است و مهمترین رکن و موضوع مطرح شده در این زمینه پذیرش اصل برائت است. اصل برائت در حقوق کیفری برای دفاع از متهم نقشی اساسی دارد؛ چرا که به موجب این اصل تا زمانی که اتهام و جرم شخص متهم ثابت نشود اصل بر برائت ذمه اوست. اماره نیز در لغت به معنی علامت، نشان، نشانه و جمع امارات است. که در اصطلاح حقوقی به موجب ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی عبارت است از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود. عدول از اصل برائت در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره ی قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان آور باشد در میان باشد و وجود اماره موجب تغییر روند دادرسی نیز خواهد شد. اینگونه است که در برخی جرایم اماره ی مجرمیت بر اصل برائت مقدم می گردد. در واقع در مواردی خاص که وجود قراینی ظن آور ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می کند اقتضای مصالح عمومی تقدم اماره ی مجرمیت بر اصل برائت است.

واژگان کلیدی: اصل برائت، اماره ی مجرمیت، متهم، جرم، قانون اساسی، حقوق کیفری، ایران.

^۱ نویسنده مسئول

بخش اول: مقدمه

قواعد حقوقی در دوره یا دوره های خاص تاریخی وضع می شوند. بعضی از این قواعد بدون کوچکترین تغییر در طول زمان به عمر و حیات حقوقی خود ادامه می دهند، چرا که مقتضیات زمانی چندان تغییر جدی و محسوسی را با خود به همراه نداشته که این قواعد نیازمند تغییر و دگرگونی باشند. اما مسلماً همه قواعد اینگونه نیستند. از طرفی ثبات قواعد حقوقی یکی از مشخصات این قواعد است که نشان از پابرجایی و تداوم آن در طول زمان دارد. از طرف دیگر این مسئله تعارضی با تحول در طول زمان و تحول به اقتضای تغییر شرایط ندارد. این موضوع را می توان در بسیاری از اصول قواعد به وضوح یافت. یکی از این موارد اصل برائت یا فرض بی گناهی متهم است که در طول تاریخ تحولی بس شگرف را شاهد بوده است. به طور کلی سه مرحله را می توان برای آن بر شمرد. مرحله اول عدم توجه کامل و نقض آشکار حقوق متهم بوده است که در دوره های اول تاریخی شاهد آن بوده ایم. پس از آن یعنی در مرحله دوم به خصوص پس از دوران جنگ جهانی بسیاری قائل به رعایت کامل آن در محاکمات داخلی و بین المللی شده اند. سومین دوره پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ میلادی است و به تبع آن تصویب دو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر اسناد جهانی و منطقه ای حقوق بشر را شاهدیم (استکی، ۱۳۹۷).

در واقع یکی از اصول پذیرفته شده حقوق کیفری در بیشتر کشورها، اصل برائت است و آثار آن به نفع متهم به اجرا درمی آید؛ اما در برخی جرایم آثار اصل برائت به صورت معکوس اجرا می شود و متهم باید بیگناهی خود را در ارتکاب جرم به اثبات برساند. این جرایم نظیر پول شویی از مصادیق اماره مجرمیت شمرده شده است (جوادی و همکاران، ۱۳۹۸). در این مقاله به بررسی تعامل میان اصل برائت و اماره ی مجرمیت پرداخته شده است.

بخش دوم: اصل برائت

بند اول: مفهوم اصل برائت

«اصل» در لغت به معنی بیخ، بن، و ریشه و منشاء هر چیز است.^۱ در واقع «اصل» عبارت است از «حکم مجهول برای فردی که دچار شک است و جهت کشف برای او وجود ندارد. آن چه که برای جاهل به واقع وضع می شود، اگر کاشفیت بالذات داشته باشد، اماره و دلیل است و اگر کاشفیت بالذات نداشته باشد

^۱ سیاح، ۱۳۰۳، ج ۱: ۴۸

و بر موضوع مشکوک نیز حکمی از احکام مترتب باشد، اصل نامیده می شود. بنا بر این، اصل نیز مانند اماره، حکمی ظاهری است که مربوط به حالت جهل به واقع است» (مشکینی، ۱۳۷۶: ۵۶).

اصل چیزی است که بدون ملاحظه کشف از واقع و صرفاً برای تعیین تکلیف در مواقع شک و تردید حجت شناخته شود؛ اهم از اینکه مثبت حکم باشد یا موضوع (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۸۱).

«برائت» در لغت به معنی پاک شدن از عیب و تهمت و خلاص شدن از قرض آمده است.^۱ و در اصطلاح فقهی نیز مفهومی جزء این ندارد و به معنای پاک و رها بودن از هرگونه تکلیفی که در ایجاد و اجرای آن تردید داریم که آیا بر مکلف بار شده است یا آن که چنین نیست (مظفر، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۰۶).

اصل برائت در اصطلاحات فقهی عبارت است از گرایش به طرف نفی الزام قانونی و عدم تعهد و تکلیف و آزادی اراده در موقع برخورد با شک در تکلیف (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

با توجه به اهمیت اصل برائت و تاثیر آن در تحقق عدالت و تحکیم ارزش های انسانی در قرآن مجید، آیات متعددی به صورت صریح و ضمنی به این موضوع پرداخته است که از آن جمله می توان به آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۷ سوره طلاق و آیه ۱۱۵ سوره توبه اشاره نمود (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۶۹).

در حقوق کیفری اصل برائت متضمن بی گناهی همه متهمان تا زمان اثبات جرم آن ها است. اصل برائت کیفری در اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ش نیز تصریح شده است. به موجب اصل برائت هیچ کس مجرم نیست مگر اینکه جرم وی ماورای هرگونه شک و شبهه معقول اثبات شود. اما با وجود اعمال اصل برائت در امور کیفری و حاکم بودن آن بر دیگر اصول و قواعد حقوق جزا در موارد خاصی از اعمال این اصل عدول می شود (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶).

در ترمینولوژی حقوق اصل برائت به این صورت تعریف شده است: «هر امری که توجه شخص مستلزم نوعی زحمت یا زیان یا سلب آزادی و یا ایجاد مضیقه باشد در صورتی که توجه آن به شخص محل تردید باشد باید آن شخص را از آن کلفت و زحمت بری نمود زیرا بدون دلیل قاطع، تحمیل کلفت و زحمت به اشخاص روانیست. از این معنی به اصل برائت تعبیر می شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۹).

دلیل حجیت برائت قاعده عقلی قبح عقاب بلایبان است. قاعده ای عقلی که زمان و مکان و شرع و قانون تاثیری در آن ندارد. هنگامی که قانون اساسی در اصل ۳۷ مقرر می دارد اصل بر برائت است و هیچ کس

^۱ سیاح، ۱۳۰۳، ج ۱: ۷۹

در برابر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح به اثبات برسد این نتیجه حاصل می شود که در امور جزایی متهم و در امور حقوقی مدعی علیه لازم نیست دلیلی بر براءت خود بیاورند زیرا در سایه همین اصل قرار دارند. در همه سیستم های حقوقی این اصل مورد قبول قرار گرفته و بار دلیل را بر دوش مدعی قرار داده است. مدعی کسی است که در مقام اثبات امری بر خلاف اصل براءت اقدام می کند. اعمال این اصل در مسائل حقوقی مورد تردید نیست و تکلیف داریم هر ادعایی را که فاقد دلیل باشد بی مورد تلقی کنیم و هر اتهامی را که فاقد دلیل باشد بی مبنا بشناسیم. کاربرد اصل براءت در محاکم حقوقی و جزایی به طور ویژه مورد قبول قرار گرفته است (مدنی، ۱۳۸۵: ۳۸).

این اصل به نفع هر متهمی اعم از اینکه برای اولین بار مرتکب جرم گردیده یا مشمول تکرار جرم باشد جاری است به طوری که در تمامی طول دادرسی تا زمانی که یک تصمیم قانونی و قطعی مجرمیت بزه کار را به رسمیت نشناخته باشد اصل براءت حاکمیت دارد (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹).

«در موردی که وجود تکلیفی مورد تردید است خواه در برابر عموم یا جامعه باشد یا در برابر شخصی معین اصل این است که تکلیف و دینی وجود ندارد و آنکه مدعی وجود حقی که بر ذمه دیگری است باید دلیل بدهد وگرنه محکوم می شود و آزادی خواننده دعوی از قید تعهد و تکلیف مصون می ماند. این اصل در تمام شاخه های حقوق عمومی و خصوصی و بین المللی اعتبار دارد و کاربرد آن را نباید محدود به بخش معینی کرد. به عنوان مثال اگر تردید شود که آیا قانون ارتکاب یا خودداری از عملی را جرم می داند یا باید آن را در زمره کارهای مباح آورد، اصل براءت ایجاب می کند، که کار مورد شبهه مباح فرض شود. همچنین هر گاه اتهام ارتکاب جرمی متوجه کسی شود اصل براءت او را بی گناه فرض می کند تا دلیل قاطعی بر ارتکاب جرم به دادگاه ارائه شود و دادرس را قانع کند. به همین جهت اصل براءت امروزه یکی از ابزارهای مهم حمایت از حقوق بشر و به ویژه متهمان است» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۵۲-۲۵۳).

اصل براءت در امور کیفری را می توان از فروعات این قاعده فقهی دانست که هر گاه در مشروع یا حرام بودن عمل یا رفتاری تردید وجود داشته باشد باید رفتار فرد را مشروع تلقی کرد. اما این اصل با اصل براءت در اصول فقه متفاوت است. شاید معادل سازی نامتناسبی که از سوی مترجمین برای ورود این نهاد از حقوق فرانسه به ایران صورت گرفته است در خلط معنی بی تاثیر نباشد چرا که در حقوق سایر کشورها و اسناد بین المللی فرض براءت آمده است و ترجمه آن به اصل براءت شائبه یکی بودن این نهاد با اصل براءت موجود در فقه را موجب گردیده است. به هر حال باید از جمود و وسواس در لفظ اجتناب کرد و در اهمیت این موضوع سخن گفت که امروزه براءت از اصول مشترک حقوقی کشورهای متمدن جهان به شمار می رود و بر اساس آن فرض بر بی گناهی متهم است و مرجع قضایی مکلف به ارائه دلیل و اثبات

خلاف آن است و متهم تکلیفی به اثبات بی گناهی خود نداشته و حتی می تواند سکوت کند(صادقی، ۱۳۸۴: ۷۴). در خصوص قلمرو اجرای اصل برائت بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که اجرای این اصل فقط محدود به دادرسی می شود. به عبارتی برخی از حقوق دانان عرصه وقلمرو اصل برائت را مورد تشکیک قرار داده اند. از آن جمله می توان به عقیده پرفسور فرانسواکلر اشاره نمود. از دیدگاه این حقوقدان سوئیسی اصل برائت ناظر به قواعد اثبات دعوی کیفری است منظور از آن این است که قبل از محاکمه و رعایت اصول دادرسی نمی توان با متهم همانند محکوم رفتار کرد. به عبارت دیگر، اصل برائت فقط ناظر بر ضرورت رعایت «حق دفاع متهم» در طول رسیدگی از سوی «حق دفاع متهم» رعایت مقامات قضائی است و ضرورت تأمین با اصل برائت ندارد (سرمدت، ۱۳۸۰: ۲۶-۲۷). دیگران اعتقاد دارند که اجرای اصل برائت شامل همه مراحل دادرسی است و نمی توان اعمال آن را منحصر به مرحله صدور حکم دانسته به اعتقاد دسته اخیر اصل برائت کیفری به معنای استمرار بخشیدن به آثار اصل حفظ کرامت انسان و مصون بودن افراد جامعه از هر گونه تعرض و آثار آن مگر به واسطه وجود یک محکومیت قانونی قطعی و لازم الاجراست (سرمدت، ۱۳۸۰: ۲۶-۲۷). به عبارت دیگر اصل برائت در این مفهوم بدین معنی است که مجموعه اجزای یک نظام قضایی، اداری و اجتماعی جهت حاکمیت بخشیدن به مصونیت افراد باید با یکدیگر هماهنگ و همگون باشند. در چنین فرضی روح حاکم بر جهت گیریها و عملکردهای واقعی حاکم بر اجزاء یک سیستم اجتماعی و حقوقی، عینیت بخشیدن به فرض بی گناهی متهم را قوت می بخشد، مگر آنکه یک حکم قطعی و لازم الاجراء که مجرمیت فرد را به اثبات برساند جایگزین فرض بی گناهی یا اصل برائت شود (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۸۰).

بند دوم: جایگاه اصل برائت در قانون اساسی

اصل برائت یا به طور مستقیم یا به واسطه آثاری که بر آن مترتب است در قوانین داخلی یعنی قانون عادی و یا قانون اساسی می توان آن را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. در ایران نیز با توجه به آنکه بین قوانین اساسی و عادی از حیث تجدید نظر تفاوت وجود دارد و به اصطلاح حقوق دانان قوانین اساسی از این مدل مشهور به قانون خشک یا غیر قابل انعطاف می باشد و در این تقسیم بندی اصالت و برتری به قانون اساسی داده می شود. بر عکس نظامهایی که قانون اساسی شان نرم یا قابل انعطاف است و فرقی بین دو قانون از حیث تجدید نظر وجود ندارد. ذکر این تقسیم بندی از این حیث مفید می باشد که ذکر برخی از اصول در قانون اساسی به آن ارزشی دو چندان می دهد. در قانون اساسی و قانون عادی ایران هر دو اشاراتی به اصل برائت داشته اند. پیش از انقلاب در قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۵ هـ ش ۱۳۲۴ هـ ق هیچ اصلی به حقوق و آزادی های اساسی مردم اشاره ای نکرده بود و این مسئله ضعف

آشکار این قانون بود. اما یک سال بعد متمم این قانون معروف به متمم قانون اساسی مشروطه در اصول هشتم الی دوازدهم خود به اصل براءت و آثار آن به طور ضمنی و نه صریح اشاره کرد. از جمله در اصل ۹ متمم قانون اساسی مشروطه می خوانیم : «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد، مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت مشخص می کنند». بنابراین در قانون اساسی مشروطه به اصل براءت به طور مستقیم هیچ اشاره ای نشده بود، اما پس از انقلاب اسلامی زمامداران امور به این اصل و همچنین آثار آن توجه و نظر ویژه نشان داده و در اصول مختلف قانون اساسی ۱۳۵۸ که به تایید مردم رسید بدان پرداختند. بر اساس اصل سی و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد». بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قاعده کلی در مورد اصل براءت سخن گفته است. این اصل مقرر می دارد: «اصل براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». در نظام حقوقی ایران به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی «قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت است». بر همین مبنا اصل ۱۶۶ قانون اساسی اشعار می دارد: «دادگاه ها موظف به صدور احکام مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی که بر اساس آن حکم صادر شده گردیده اند». بنابراین اصل براءت و آثار آن در قانون اساسی به صراحت مورد تاکید قرار گرفته اند. مواردی مانند بازداشت موقت، توقیف احتیاطی، حق سکوت، حق دسترسی به وکیل و ... و همه از آثار اصل براءت می باشند که در اصول مختلف قانون اساسی به آن تصریح گردیده است. اصل ۳۵ قانون اساسی به خوبی مقرر داشته در همه دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. به موجب اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی «محاکمات علنی انجام میشود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». اصل ۱۶۸ قانون اساسی مقرر می کند «رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد...». این موارد همه نشان از پذیرش اصل براءت به طور صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است (استکی، ۱۳۹۷).

بند سوم : اصل برائت در رویه قضایی

اصطلاح رویه قضایی اگر بدون قید و به طور مطلق استعمال شود، مجموع آرای قضایی است ولی به معنی خاص خود در جایی به کار می رود که محاکم یا دسته ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و آرای راجع به آن مسئله چندان تکرار شود که بتوان گفت هر گاه آن محاکم با دعوایی روبرو شوند همان تصمیم را خواهند گرفت. در کشور های حقوق نوشته رویه قضایی در چهارچوب های حقوقی تعیین شده از سوی قانونگذار حرکت می کند و قواعد حقوقی ناشی از رویه قضایی دارای همان اعتبار قواعد ساخته شده قانونگذار نیست. آن ها قواعدی ضعیف و شکننده هستند که هر لحظه ممکن است به مناسبت رسیدگی به دعوایی جدید مردود یا اصلاح شوند. رویه قضایی ملزم به رعایت قواعدی که ایجاد کرده نیست، حتی بر طبق قاعده کلی نمی تواند برای توجیه آرای که در آینده صادر می کند به آن استناد کند. اگر قضات در آرای جدید خود قاعده ای را اجراء می کنند که قبلاً اجراء می کرده اند به سبب آن نیست که قاعده مزبور در اثر اجراء کسب اعتبار کرده است، در واقع این قاعده دارای هیچ گونه جنبه امری نیست. تغییر رویه قضایی همواره ممکن است بی آنکه قضات مجبور به توجیه آن باشند، البته این تغییر کم اهمیت است، زیرا که چهارچوب ها و حتی اصول حقوقی را تهدید نمی کند، قاعده ناشی از رویه قضایی تا زمانی می ماند و اجرا می شود که قانونی که رویه قضایی بر مبنای آن، قاعده حقوقی را به وجود آورده است، معتبر باشد. در موضوع مورد بحث باید گفت که اصل برائت در این کشورها واجد مبنای مسلم قانونی است و آرای قضایی که بر مبنای اصل برائت صادر شده، با توجه به مبنای قانونی آن صادر شده اند و در واقع تایید قضایی این اصل می باشد. در همین زمینه در حقوق داخلی به یکی از آرای که در تایید اصل برائت مندرج در اصل ۳۷ قانون اساسی صادر شده است اشاره می نماییم:

رای اصراری شماره ۱۸ هیأت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور ۷۶/۱۰/۹:

«با توجه با اینکه متهم در کلیه مراحل رسیدگی منکر عمدی بودن قتل شده و دلیلی نیز بر عمدی بودن قتل اقامه نشده و اصولاً کیفیت شلیک گلوله منتهی به مرگ به طور قطعی معلوم نیست صدور حکم به قصاص نفس بر خلاف مقررات قانون است بنابراین دادنامه شماره ۳۰۴ مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۰ شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران که متضمن محکومیت «م» به قصاص نفس می باشد به استناد بند ج ماده ۲۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب با اکثریت آراء نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض ارجاع خواهد شد». در واقع مضمون این رای اشاره به این معنای اصل برائت است که تمام عناصر

متشکله اتهام انتسابی متهم باید بدون هیچ شک و شبهه ای توسط مقام تعقیب اثبات شود. بنابراین در کشورها رویه قضایی مبنای مسلم اصل برائت خواهد بود.

بندچهارم : آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی

الف . تفهیم اتهام: منظور از تفهیم اتهام این است که متهم فوراً از جزئیات، ماهیت و مبنای قانونی اتهام مطرح شده علیه وی با زبانی که آن را می فهمد آگاه شود. به این معنا که نه تنها ماهیت اتهام باید مشخص شود بلکه دلایل قانونی و حقیقی که اتهام باید بر مبنای آن مطرح گردد مشخص شود. حق اطلاع دقیق متهم از زمینه اتهام که در ابتدایی ترین مراحل تعقیب باید صورت گیرد به عنوان اساس تدارک یک دفاع تلقی می شود به این معنا که متهم با آگاهی از اتهام است که می تواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد و میان او و مدعی موازنه برقرار شود (امیدی، ۱۳۷۹: ۱۸).

در حقوق داخلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت تفهیم فوری و کتبی اتهام مطرح شده به متهم تأکید کرده و به کارگیری قید کتباً حکایت از آن دارد که قانونگذار توجه خاصی به حمایت از متهم داشته است. اصل ۳۲ قانون مزبور مقرر می دارد: «در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود» (استکی، ۱۳۹۷).

ب . محدود بودن بازداشت موقت: وفق اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند . در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مرجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود» (همان، ۱۳۹۷).

پ . حق سکوت و منع شکنجه : یکی دیگر از عناصر حقوق دفاعی متهم حق سکوت یا توانایی متهم در ساکت ماندن در مقابل تحقیقات ضابطین و مقامات قضایی راجع به اتهام وارد شده به وی است. برخورداری از این حق موجب می شود تا متهم بتواند با تمسک به چنین ابزاری از حداقل امکان برای تضمین حقوق دفاعی خویش بهره مند باشد بدون اینکه تکلیفی برای وی به همکاری با مقامات قضایی وجود داشته باشد. متهم در پرتو این حق به عنوان یکی از ابزارهای تأمین حقوق و آزادی های شهروندی می تواند در مقابل سوال های ضابطین و مقامات قضایی ساکت بماند بدون اینکه ملزم به پاسخگویی و افشاء اسرار شخصی خویش آن هم به ضرر خود باشد. در واقع متهم به موجب رعایت حقوق

و آزادیهای خویش در پرتو اصل برائت در جایگاهی قرار می گیرد که دادستان ملزم است که کلیه دلایل مثبت جرم علیه وی را جمع آوری کند و تا زمانی که این دلایل جمع آوری نشده و انتساب آن به متهم به اثبات نرسیده است متهم بی گناه فرض شود و مقتضای اصل برائت حفظ آزادی متهم در عدم همکاری وی باشد تا اینکه در بستر آن توازن قوا و تحقق انصاف تضمین گردد. لذا اصل برائت به متهم اجازه می دهد تا هر امری که توجه آن به وی مستلزم محدودیت است در صورتی که توجه آن به وی با تردید مواجه باشد تحمیل عواقب آن تا زمان اثبات ممکن نباشد (صالحی، ۱۳۸۸: ۷۰).

به موجب قسمت ذیل ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۸۷/۶/۲۸ چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند امتناع او در صورت مجلس قید می شود. بدین ترتیب حق متهم در سکوت و عدم پاسخ به اتهام انتسابی تلویحاً به رسمیت شناخته شده و به موجب اصل سی و هشتم قانون اساسی که بر اساس آن هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع قلمداد شده و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. به موجب ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی هر یک از مستخدمان و ماموران قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کند علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود. بنابراین و با توضیح بالا در مرحله تحقیقات مقدماتی که واجد وصف سری و غیرعلنی بوده و نظر به تزییقات قانونی ایجاد شده در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ذیل آن جهت حضور وکیل در این مرحله، بیشترین دغدغه از حیث توسل به زور جهت اخذ اقرار از متهم وجود دارد، باید عنوان کرد که متهم از حق مسلم سکوت برخوردار بوده و توسل به هرگونه اقدامی به هر شکل و تحت هر عنوان که متضمن نقض آن باشد خلاف قانون است (بیات، ۱۳۸۸).

ت. حق برخورداری از وکیل و مترجم: امروزه با توجه به اینکه بر ضرورت تساوی سلاح ها بین اصحاب دعوی تاکید می شود و به ویژه اینکه هدف از دادرسی دستیابی به واقعیت امر و نه انجام تشریفات صوری رسیدگی است، به تدریج از سری بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به متهم و وکیل مدافع او کاسته شده و به وکیل اجازه حضور در انجام تحقیقات مقدماتی داده می شود. به عبارت دیگر صدور حکم عادلانه را نمی توان ناشی از رسیدگی دقیق به پرونده ای دانست که به طریق تفتیشی و بدون مداخله وکیل مدافع و دفاع موثر و مفید متهم از خود، تهیه و تمهید شده باشد. به این معنا که بی طرفی قاضی یا قضات دادگاه در رسیدگی به پرونده ای که اصول صحیح دادرسی در آن در مرحله تحقیقات مقدماتی نادیده انگاشته شده باشد برای صدور حکمی مبتنی بر موازین عدالت کافی نیست. به همین جهت حضور

وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و اطلاع از محتویات پرونده برای او بی تردید باید از جمله اصول دادرسی منصفانه و موافق اصل براءت که متهم باید تا زمان اثبات اتهام بی گناه فرض شود و از تضمینهای دفاع در تمام مراحل رسیدگی برخوردار باشد. خصوصاً اگر این نکته مورد توجه واقع شود که در پرونده های کیفری تحقیقات مقدماتی بسیار سرنوشت ساز بوده و حضور وکیل در این مرحله تا چه حد می تواند در تغییر مسیر پرونده به نفع متهم موثر باشد. در حقوق ایران در آغاز به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی وکیل مدافع در این مرحله از جریان تحقیقات به دور نگه داشته شده بود. در اصلاحات سال ۱۳۳۵ تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری امکان حضور متهم را در تحقیقات بدون اینکه مشار الیه حق داشته باشد در جریان تحقیق مداخله کند پذیرفت. متأسفانه قانون آیین دادرسی کیفری فعلی تحدیدات بیشتری را نسبت به حق دفاع متهم و برخورداری از معاضدت وکیل در این مرحله قائل شده است. به موجب ماده ۱۲۸ قانون فوق الذکر و تبصره آن در سه مورد اگر قاضی رسیدگی کننده موافقت نکند متهم از داشتن وکیل مدافع محروم خواهد بود: ۱- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد؛ ۲- در صورتی که حضور غیر متهم موجب فساد گردد؛ ۳- در جرایم علیه امنیت کشور ملاحظه می شود که تشخیص فساد و محرمانه بودن اینکه جرمی امنیتی است یا خیر با قاضی رسیدگی کننده می باشد. به این ترتیب قاضی تحقیق به سهولت می تواند متهم را به ویژه به بهانه وجود فساد از داشتن وکیل مدافع محروم کند. این محرومیت مخصوصاً در جرایم مهم که اقتضای مجازات های سنگین از قبیل اعدام، صلب، رجم، قطع، حبس دائم و نظایر آن را دارند و تحقیقات مقدماتی پایه و اساس پرونده را تشکیل می دهد با هیچ منطقی سازگار نیست (استکی، ۱۳۹۷).

در حقوق داخلی ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می نماید: «در صورتی که متهم یا شهود فارسی ندانند، دادگاه دو نفر را برای ترجمه تعیین می کند. مترجم باید مورد وثوق دادگاه باشد و متعهد باشد که همه اظهارات را به طور صحیح و بدون تغییر ترجمه نماید». اگرچه با توسل به اصول حقوقی نظیر اصل براءت و اصل تساوی سلاح ها و یا با استفاده از این حربه که ایران اسناد فوق را امضاء و بعضاً تصویب نموده است و در نتیجه همچون قانون لازم الاجراء می باشد، می توان رایگان بودن حق مزبور را استنتاج کرد، اما در هر حال بر قانونگذار است که در اصلاحات بعدی خود به صراحت رایگان بودن حق برخورداری از مترجم را هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله دادرسی به رسمیت بشناسد.

بند پنجم: مصادیق حاکمیت نیافتن اصل براءت در حقوق موضوعه ایران

الف. قوانین عام جزایی: فرض مسئولیت کیفری داعی - به موجب ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخوانده و بیرون برده

اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهديد یا هر طريق ديگري، کسی را بربايد و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است. تبصره - هرگاه پس از دریافت ديه، مشخص شود که شخص مفقود زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، ديه مسترد میگردد و چنانچه اثبات شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمدأ کشته است قصاص ثابت می شود». حکمی که در این ماده آمده است مورد قبول مشهور فقهای شیعه است و در مورد آن اجماع شده است (زراعت، ۱۳۹۳: ۵۷۳). در واقع قانونگذار رکن مادی قتل را از ناحیه داعی مفروض دانسته است و به دلایلی از جمله احتیاط در خون مسلمین و وجود شبهه، حکم به پرداخت ديه نموده است. در مسئله فوق متهم باید برای اثبات بیگناهی خود و درجهت اثبات خلاف فرض قانونی مبادرت به اقامه دلیل نماید که شخص دعوت شده زنده است یا به مرگ عادی یا قوه قاهرهای که بی ارتباط با اوست کشته شده یا اثبات نماید که دیگری او را کشته و در صورت عدم ارائه دلیل بر بیگناهی خود یا عدم کفایت دلیل، ضامن ديه بر وی تحمیل خواهد شد. سه فرضی که قانونگذار در این ماده پیشبینی کرده در تعارض با اصل برائت بوده و بدینترتیب فرض اماره مجرمیت در مورد دعوتکننده بر فرض بیگناهی او غلبه یافته است. در میان فقهاء نظر ابن ادریس حلی در کتاب سرائر بیش از دیگران قابل دفاع به نظر میرسد و بیش از سایر نظریه ها با اصل برائت انطباق دارد. وی معتقد است اگر دعوتکننده متهم به دشمنی و قصد قتل نباشد مسئولیتی ندارد (ابن ادریس، ۱۳۹۰: ۳۴۰). تعارض لوث با اصل برائت - تعارض لوث با اصل برائت مورد دیگری است که باید به آن اشاره کرد. در موارد لوث که قرائن و اماراتی دال بر ارتکاب قتل از سوی متهم وجود دارد، لیکن وقوع قتل از ناحیه وی محرز نیست، متهم برخلاف اصل برائت باید برای اثبات بیگناهی خود دلیل بیاورد و چنانچه دلایلی دال بر بیگناهی خود ارائه نماید، لوث محقق نخواهد شد و در نتیجه رأی بر برائت صادر میشود. مقام تعقیب یا شاکی باید اتهام متهم را ثابت نماید و متهم باید تا زمان اثبات اتهامش بیگناه فرض شود؛ اما درباره لوث، متهم باید برای اثبات بیگناهی خود و رفع ظن، به اقامه دلیل و بینه بپردازد و در صورت ارائه نکردن دلیل یا کفایت نکردن بینه نوبت به اجرای قسامه میرسد. شاکی باید برای اثبات اتهام متهم پنجاه نفر از بستگان ذکور نسبی خود را حاضر نماید تا هر کدام از آنها قسم بخورند که متهم قاتل است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷). فرض مسئولیت کیفری عاقله در تعارض با اصل برائت - وفق ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، ديه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می تواند ديه را از عاقله بگیرد و

در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن‌ها یا عدم تمکن آن‌ها، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه بر بیت المال خواهد بود...». مسئولیت کیفری عاقله در پرداخت دیه از جمله مغایرت‌های موجود در قانون مجازات اسلامی با اصل برائت می‌باشد. در حالی که عاقله بدون اینکه هیچگونه رفتار خطایی را مرتکب شده باشد با فرض رکن مادی و معنوی رفتار خطایی در مورد وی مسئول پرداخت دیه خواهد بود. به عبارت دیگر اگر چه در مورد فاعل و مرتکب جنایت خطایی محض رکن مادی و رکن معنوی جنایت باید ثابت شود اما در تحمیل مسئولیت کیفری بر عاقله هر یک از این عناصر مفروض خواهد بود (همان، ۱۳۹۷). عضویت در دسته ها، جمعیت یا شعب با قصد بر هم زدن امنیت کشور- ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می دارد: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود». مطابق ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر کس در یکی از دسته ها یا جمعیتها یا شعب مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است». از مشخصه‌های بارز جرایم علیه امنیت مطلق بودن و کاربرد اصطلاحات و مفاهیمی کلی است که مقنن از تعریف آن‌ها پرهیز می‌کند. ماهیت مطلق جرایم امنیتی به گونه ای است که در تحلیل یکی از حقوقدانان ابراز شده: «مقنن جزایی به فراست دریافته است که در حوزه امنیت نباید منتظر حصول نتیجه مجرمانه شد؛ زیرا در صورت حصول نتیجه، امنیتی باقی نخواهد ماند تا در سایه آن مقررات جزایی به اجرا درآید...» (عالی پور، ۱۳۸۹: ۵۲). همچنین قانونگذار از کاربست اصطلاحات مبهم و قابل تفسیر سود می‌جوید، تا بهترین تفسیر را برای اتخاذ تدابیر مناسب در راستای حفظ امنیت انجام دهد. در اینجا سخن از حقوق دفاعی متهم و اصل برائت جای خود را به تفسیرهای یک جانبه به نفع امنیت ملی و حاکمیت سیاسی می دهد. در واقع فرض برائت در این مورد رعایت نشده به این طریق که صرف عضویت فرد در دسته یا گروه باعث مجازات وی خواهد شد و اثبات بی گناهی بر عهده خود اوست. قانونگذار در این ماده می‌توانست مثل قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مصوب ۲۰۰۹ در جرایم علیه امنیت ملی کشور سختگیری بیشتری را در مراحل شکلی از خود نشان دهد نه اینکه با صرف عضویت در این گروه‌ها فرض را بر مجرمیت بگذارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

ب. قوانین خاص جزایی: قانون مجازات مرتکبین قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۳۱۲- ماده ۵ قانون مزبور مقرر می دارد: «هر گاه مال موضوع درآمد دولت و یا ممنوع‌الصدور و یا ممنوع‌الورود به توسط مکاری یا اتومبیل و یا سایر وسایل نقلیه و یا به وسیله دیگر حمل شود و حامل نتواند ارسال کننده و یا صاحب اصلی آن را تعیین و اثبات نماید علاوه بر ضبط مال و در صورت نبودن مال رد بهای آن باید شخصاً از

عهده پرداخت جریمه مقرر در این قانون بر آید». در این ماده صرف حمل مال توسط متهم کافی برای تحقق جرم خواهد بود به عبارت دیگر مقام تعقیب کافی است که ثابت نماید مال مزبور توسط متهم حمل شده است. رکن معنوی و سوء نیت متهم در این ماده مفروض است و نیازی نیست مقام تعقیب بر علم و آگاهی متهم و یا عمد وی در حمل چنین مالی دلیل بیاورد و این خود متهم است که باید برای اثبات بیگناهی خود و رفع مسئولیت کیفری مبادرت به اقامه دلیل نموده و صاحب اصلی مال یا ارسال کننده را معرفی نماید و در صورت عجز از اقامه دلیل محکوم به پرداخت جریمه نقدی خواهد شد (همان، ۱۳۹۷).

قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷- این قانون در مواد متعدد مصادره اموال قاچاق چپان به استثناء هزینه تامین زندگی متعارف برای خانواده محکوم پیشبینی کرده است. به این معنا که در ارتباط با اموال این قبیل مجرمین با عدول از اصل برائت اماره مجرمیت به صورت اماره قانونی و به طور مطلق مورد پذیرش قرار گرفته است. در چنین شرایطی قانونگذار راهی را برای اثبات مشروعیت منشاء اموالی که در مورد آن ادعای نامشروع بودن شده است باقی نگذاشته است؛ بنابراین همین که موارد خاصی از جرم قاچاق مواد مخدر اثبات گردد اموال مجرم به استثنای تامین هزینه زندگی متعارف خانواده محکوم مصادره خواهد شد. مطابق اصول کلی حقوق اقتصادی سرمایه داری و آنچه که در اسلام آمده اموال و داراییهای افراد مورد احترام کامل و برخوردار از مصونیت خواهد بود. این حکم علاوه بر اینکه حق بنیادین مالکیت مندرج در اصل ۴۷ قانون اساسی را نقض کرده، با اصل برائت نیز مغایر است؛ زیرا چه بسا مجرم برای اولین بار مرتکب جرم فوق شده و اموال وی هیچ گونه ارتباط با موضوع قاچاق کشف شده نداشته باشد. در این راستا ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ مقرر می دارد: «دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود» (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

بخش سوم: اماره ی مجرمیت (عدول از اصل برائت)

بنداول: مفهوم اماره ی مجرمیت

اماره در لغت به معنای نشانه و علامت آمده و جمع آن امارات است^۱ و امارات، آن دسته از دلایلی هستند که مبنای حجت آن ها این است که نوعاً کاشف از واقع می باشند و به همین ملاک نیز از سوی شارع

^۱ عمید، ۱۳۶۹: ۲۳۰

حجیت یافته اند؛ اعم از اینکه واقع حکمی بوده (اماره حکمیه) یا آنکه از موضوعات (امارات موضوعیه) باشند (محقق داماد، ۱۳۷۰: ۲۳).

شیخ انصاری در خصوص طریق یا سبب بودن اماره، نظریه ای میانهمی انتخاب و از آن با عنوان «مصلحت سلوکی» یاد کرده است. طبق نظر وی، در پیروی از اماره - نه در خود عمل - مصلحتی الزام آور وجود دارد که مصلحت از دست رفته را جبران می کند (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

با وجود اماره و حتی احتمال وجود آن و امکان فحص، رجوع به اصل عملی جایز و صحیح نیست. بین اماره کیفری و امر نامعلوم (مجهول) رابطه ای است که از طریق همین رابطه و پل ارتباطی، قاضی می تواند جرم واقع شده (مجهول) را کشف، روشن و تجزیه و تحلیل کند. به طور کلی اماره کیفری وسیله ای معلوم و محسوس برای هدایت و دلالت و راهگشای کشف واقع می شود و این ویژگی، اماره کیفری را از دیگر ادله اثبات دعوی متمایز می سازد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶).

اماره عبارت است از اوضاع واحوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود (ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی) بنابراین امارات به دو دسته امارات قانونی و امارات قضایی تقسیم می شود، امارات قانونی اماراتی است که قانون گذار به صراحت آن را دلیل بر امری قرار داده باشد؛ مانند ماده ۳۵ قانون مدنی که تصرف به عنوان مالکیت را دلیل مالکیت دانسته است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. اماره تا زمان اثبات خلاف آن اعتبار دارد. امارات قضایی اماراتی است که به نظر قاضی واگذار شده و اوضاع و احوالی است که در خصوص مورد باشد (برخلاف امارات قانونی که کلیت و عمومیت دارد) و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند (ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی). مفهوم اماره قانونی در حقوق کیفری تقریباً همان تعریف ارائه شده از اماره در ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی است با وجود این، می توان اماره قانونی در حقوق کیفری را اینگونه تعریف کرد که عبارت است از «اماره ای به باور قانون گذار دلیل یا نشانه امر مجهولی است و قاضی کیفری را در فرایند دادرسی کیفری و اجرای حکم برای اتخاذ تصمیم مقتضی و مبتنی بر قانون یاری می رساند (اکبری و انصاری مقدم، ۱۳۹۱: ۳).

در حقوق کیفری ایران امارات قانونی را می توان به یک اعتبار به امارات قابل رد و امارات غیرقابل رد تقسیم کرد. این تقسیم بندی صورت دیگری است از تقسیم اماره قانونی به مطلق و نسبی در حقوق خصوصی. اماره قانونی مطلق، اماره ای است که دلیلی بر خلاف آن پذیرفته نیست (اماره غیر قابل رد) و اماره نسبی آن است که اعتبار آن منوط به عدم اثبات خلاف است (قابل رد). در حقوق کیفری بر عکس

حقوق خصوصی مصادیقی از امارات مطلق (غیر قابل رد) وجود دارد. اماره مجرمیت در عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر و پولشویی، قاعده لوث در جنایت^۱، مسئولیت ناشی از فراخوان شبانه و مشکوک دیگری از محل اقامتش^۲، عضویت در دسته یا جمعیتی که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور^۳ از جمله امارات کیفری نسبی یا قابل رد هستند که متهم با ارائه دلیل می تواند بی گناهی خود را ثابت نماید. در خصوص امارات کیفری مطلق یا غیر قابل رد می توان به مصادره کل اموال در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ شمسی، ضبط اموال افراد مرتبط با گروه های محارب که از کشور خارج شده اند^۴، رانندگی بدون گواهینامه و جرایم خلافی اشاره کرد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶).

عدول از اصل برائت در صورتی توجه منطقی خواهد داشت که اماره ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ضن قوی یا اطمینان آور است در میان باشد. وجود این امارات موجب تغییر روند دادرسی گردیده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زایل شده است و در نتیجه با عدم وجود دلیل قاطع؛ قاضی به روش های استثنایی دادرسی متوسل می شود (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۲۹۱).

بند دوم: ضرورت حفظ مصلحت و منفعت اجتماعی (نظم عمومی)

نظم عمومی مدلول مقرراتی است که ذات، حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید در آن حمایت جدی شود. پس برای حفظ آن، هرگونه اقدام الزام کننده و یا بازدارنده، به جا و شایسته خواهد بود. پس لزوم حمایت از منافع و حیثیت جامعه، مقتضی حفظ آن است (هاشمی، ۱۳۸۸: ۵۰۳).

^۱ رجوع شود به مواد ۳۱۲ تا ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

^۲ به موجب ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه شخصی را که شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فرا خوانده و بیرون برده اند، مفقود شود، دعوت کننده، ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دعوت شده زنده است یا اگر فوت کرده به مرگ عادی یا علل قهری بوده است که ارتباطی به او نداشته است یا اگر کشته شده دیگری او را به قتل رسانده است. این حکم در مورد کسی که با حيله یا تهدید یا هر طریق دیگری، کسی را برباید و آن شخص مفقود گردد نیز جاری است. تبصره- هرگاه پس از دریافت دیه، مشخص شود که شخص مفقود شده زنده است و یا قاتل شناسایی گردد، دیه مسترد می گردد و چنانچه اثبات شود که دعوت کننده شخص مفقود را عمداً کشته است قصاص ثابت می شود».

^۳ ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۹۲: «هرکس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها شعب جمعیت های مذکور در ماده ۴۹۸ عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد، مگر این که ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است».

^۴ در ماده ۱۱ آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی آمده است: «اموال افرادی که از کشور خارج و رابطه آن ها با گروه های محارب احراز شود از امان خارج و به حکم دادگاه ضبط می گردد. تبصره- انتقال اموال موروثی به ورثه مشروط بر این است که همکاری ورثه با گروه های مذکور احراز نشود».

مفاهیم نفع عمومی، اخلاق حسنه و امنیت اجتماعی نیز از مولفه های نظم عمومی هستند (منصوریان، ۱۳۹۴: ۶). در مواردی که منافع اجتماعی به منافع فردی ترجیح بیشتری یابد و فرض بی گناهی به طور مطلق در نظر گرفته شود و نتوان آثار آن را تحدید نمود، به نحوی که متهم در پناه فرض بی گناهی بتواند آسیب شدید و تهدید جدی علیه منافع افراد یا جامعه وارد کند، بار اثبات دلیل معکوس می شود (موحدی، ۱۳۹۳: ۱۵۳). البته باید توجه داشت که هر نفع عمومی مجوز عدول از اصل برائت نیست و تنها در مواردی که نتوان نفع عمومی را به گونه دیگری تأمین کرد، عدول از اصل یاد شده امکان خواهد داشت. در برخی موارد باید بین نفع عمومی و نفع متهم تناسبی برقرار شود و اگر منافع اجتماعی بر منافع فردی برتری بیشتری یابد، در صورتی که متهم در پناه اصل برائت بتواند امنیت عمومی را به مخاطره اندازد، در این حالت ممکن است بار اثبات معکوس شود. مصالح و منافع اجتماعی ای که موجب عدول از اصل برائت می شود (تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت)، در حقوق هر کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است. در موارد عدول از اصل برائت و تقدیم اماره مجرمیت لازم است امکانات مناسب برای متهم به منظور دفاع از خود فراهم گردد. به عنوان یک حق برای متهم، او بی گناه فرض می شود تا زمانی که جرم وی با استانداردهای لازم برای اثبات جرائم از سوی دادستان به اثبات برسد و این تضمینی برای تمامی متهمان است. اما برای پیشبرد منافع عمومی و در تضاد و درگیری بین دو مجموعه از حقوق، یکی حقوق فردی و دیگری حقوق جمعی، باعث شده است که در برخی از جرائم مهم که بیشتر با حقوق جمعی در ارتباط است، با تغییر بار اثبات بر روی فرد متهم، از او خواسته می شود تا برای رد گناهکار بودن خود به ارائه دلیل بپردازد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶).

بندسوم: آثار اماره مجرمیت

برخی از آثار و اصول مذکور میان متهمی که اماره مجرمیت علیه وی وجود دارد و متهمی که هیچ دلیلی بر مجرمیتش وجود ندارد، مشترک است. همانند علنی بودن دادرسی، حق داشتن وکیل، ضرورت مستدل بودن نظریه قضایی، اصل اطلاع از اتهام و مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه، اما برخی اصول دیگر مختص متهمانی است که دلیلی بر مجرمیت آنها وجود ندارد، همانند حق آزادی متهم، بی طرفی قضایی، ضرورت انصراف مقام قضایی از بزهکاری متهم و از همه مهمتر اینکه بنابر قاعده «البینه علی المدعی» بار اثبات دلیل بر دوش مدعی است، بنابراین در صورتی که اماره و دلیلی علیه متهم وجود داشته باشد، این آثار دیگر به نفع متهم به اجرا درنمی آید، بلکه آثار، صورت معکوس به خود می گیرند؛ همانند حق سلب آزادی متهم، عدم ضرورت انصراف ذهن مقام قضایی از بزهکاری متهم و معکوس شدن بار اثبات دلیل و بر عهده متهم بودن آن. در این صورت اماره مجرمیت جایگزین اصل برائت

می‌گردد. همچنین جرایمی وجود دارند که هرچند دلیل و اماره در اصطلاح قانونی، بر وقوع جرم توسط متهم وجود ندارد، لیکن به دلیل وجود نشانه‌ها و امارات ظنی و به دلیل مضرات عظیمی که آن جرایم برای جامعه دارند (همانند جرم پولشویی، جرایم علیه امنیت عمومی و گرفتن جان انسانها به ناحق) در مقام دعوی، دیگر اصل برائت در آن‌ها به اجرا در نمی‌آید، بلکه اماره مجرمیت یا فرض مجرمیت جاری می‌شود و آثار فرض مجرمیت بر آن جرایم بار می‌گردد. یکی از جرایمی که آثار فرض مجرمیت را داراست بحث قسامه است که حقوق کیفری اسلام به دلیل اهمیت بالایی که به جان انسان‌ها قائل شده است اجازه قتل انسان‌ها را به هیچکس نداده است و در مواردی که دلیلی هرچند ظنی وجود داشته باشد آثار اماره مجرمیت را بار کرده است تا مجرم به آسانی از چنگال عدالت نگریزد، بنابراین بار اثبات ادعا را در وحله اول بر عهده متهم گذارده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷).

بند چهارم: عدول از اصل برائت در اماره مجرمیت

دلیل و مبنای اولیه و اساسی برخی حقوقدانان برای ممنوعیت جریان اماره مجرمیت، اصل ۳۷ قانون اساسی و قوانین بین‌المللی است که اهمیت بسزایی برای عمل به اصل برائت داده‌اند. دلیل دیگر، مبانی فقهی همچون قاعده درأ و اصل صحت معاملات است که مبنای عمل به اصل برائت در جرم پول شویی می‌باشند. اصل برائت یکی از ابتدایی‌ترین اصول حقوق کیفری می‌باشد. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نام «اصل برائت» شناخته می‌شود و هیچکس را مجرم نمی‌داند مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. مقصود از اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی از دیدگاه برخی حقوقدانان همان فرض بیگناهی و یا داری پیشینه فرض بیگناهی می‌باشد؛ زیرا تلقی اصل برائت موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی به عنوان اصل برائت به معنای موردنظر در اصول فقه، این تالی فاسد را می‌تواند به دنبال داشته باشد که در صورت تقابل آن با امارات در فقه، باید اماره را حاکم بر اصل برائت بدانیم و اگر قرار باشد صرفاً با اتکاء به اماره و قرینه، اعتبار اصل برائت را متزلزل نمود متهمان به راحتی در معرض تعقیب کیفری و محکومیت قرار خواهند گرفت. بنا به نظر برخی دیگر منظور از اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی اصل عدم در اصول فقه می‌باشد به اعتقاد برخی دیگر نیز مقصود اصل برائت در اصول فقه می‌باشد. مفهوم به کار برده شده در اصل ۳۷ قانون اساسی، برگرفته از اصل برائت فقهی است و دقیقاً مترادف با اصل برائت کیفری یا فرض بیگناهی متهم نیست ولی دربرگیرنده ی مفهوم برائت کیفری نیز هست و یکی از مستندات پذیرش فرض بیگناهی متهم همین اصل قانون اساسی است (جواد و همکاران، ۱۳۹۸).

اصل برائت فقهی و اصل برائت حقوقی یا فرض بیگناهی تفاوت‌هایی باهم دارند که در زیر برخی از تفاوت‌ها ذکر می‌گردد:

اصل برائت فقهی در جهت تأمین امنیت فردی افراد می باشد، درحالی که اصل برائت حقوقی یا فرض بیگناهی به منظور تأمین امنیت فردی و اجتماعی افراد می باشد. مبانی مذکور برای اصل برائت در اصول فقه عبارت اند از آیات (آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۱۱۵ سوره توبه، آیه ۷ سوره طلاق)، روایات (حدیث رفع، حدیث سعه و حدیث حجب)، اجماع و عقل؛ اما مبانی مذکور برای اصل برائت حقوقی یا فرض بی گناهی مواد قانونی مذکور برای اصل برائت و مبانی دیگری همچون تساوی سلاح ها، عرف و رویه قضایی می باشد. اصل برائت به صورت عام می باشد و در همه ابواب فقهی، عبادی، حقوقی و جزایی جاری می شود و هیچ اثر حقوقی و کیفری خاصی برای آن ذکر نشده است. آثار اصل برائت فقهی را می توان مباحثی همچون اصل عدم، اصل اباحه و یا قاعده درأ برشمرد؛ اما اصل برائت کیفری صرفاً در امور جزایی اجرا می شود و دارای آثار خاصی به نفع متهم می باشد همچون حق داشتن آزادی، حق داشتن وکیل و حق داشتن سکوت. بدین ترتیب می توان گفت اصل برائتی که در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی ذکر شده است ترکیب و تلفیقی از اصل برائتی است که در فقه اسلام به عنوان یکی از ادله فقهاتی و اصول عملیه ذکر گردیده است و فرض بی گناهی است که در حقوق اروپایی به عنوان یکی از پایه های حقوق کیفری ذکر شده است چراکه مبانی آن شامل مواد قانونی، رویه قضایی و آیات و روایات می باشد و آثار مذکور برای فرض بی گناهی و اصل برائت فقهی همانند رهایی از مجازات، حق داشتن آزادی، حق داشتن وکیل و آثار دیگر اصل برائت را در بردارد. اصل برائت دارای آثار و اصولی است و آثار مذکور در صورت به اجرا درآمدن به نفع متهم می‌باشد. برخی از آثار و اصول مذکور میان متهمی که اماره بر مجرمیت وی وجود دارد و متهمی که هیچ دلیلی بر مجرمیتش وجود ندارد مشترک میباشد همانند علنی بودن دادرسی (اصل ۱۶۵ قانون اساسی)، حق داشتن وکیل، ضرورت مستدل بودن نظریه قضایی، اصل اطلاع از اتهام و مصونیت از دستگیری و بازداشت خودسرانه (ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲)؛ اما برخی اصول دیگر مختص متهمانی است که دلیلی بر مجرمیت آن‌ها وجود ندارد همانند حق آزادی متهم (اصل ۳۲ قانون اساسی)، حق سکوت متهم، بی طرفی قضایی و ضرورت انصراف مقام قضایی از بزهکاری متهم و از همه مهمتر اینکه بر مبنای قاعده «البینه علی المدعی» بار اثبات دلیل بر دوش مدعی می باشد (ماده ۱۹۷ آیین دادرسی مدنی)؛ بنابراین در صورتی که اماره و دلیلی علیه متهم وجود داشته باشد این آثار دیگر به نفع متهم به اجرا درنم یابد بلکه آثار صورت معکوس به خود می گیرند همانند حق سلب آزادی متهم، عدم ضرورت انصراف ذهن مقام قضایی از بزهکاری متهم و معکوس شدن بار اثبات دلیل و بر عهده متهم بودن آن؛ بنابراین در جرایمی که دلیل قطعی بر اثبات

جرم توسط متهم وجود ندارد اما به دلیل آثار سوئی که آن جرایم برای جامعه دارند باید سخت گیری بیشتری در مورد متهمان اینگونه جرایم صورت گیرد و آثار اصل برائت در مورد چنین متهمانی به صورت معکوس به اجرا درآید (جوادی و همکاران، ۱۳۹۸).

بند پنجم: تقدم اماره ی مجرمیت بر اصل برائت

معکوس شدن بار اثبات دلیل یا تقدم اماره ی مجرمیت بر اصل برائت، یکی از آثار جهانی شدن جرم در دنیای معاصر است. به عبارت دیگر، امروزه یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری به دلیل تبعات منفی و پیچیدگی ارتکاب و کشف و اثبات مشکل جرم های جهانی از سوی سیاستگذاران جنایی نقض می شود. بنای اصل برائت، اوضاع و احوال موجود و استنباط عقلی از اوضاع و احوال است. درموردی که این اوضاع و احوال به نحو دیگری باشد، اصل برائت کارایی خود را از دست می دهد و بار اثبات از دوش مدعی برداشته می شود و بر دوش مدعی علیه یا متهم قرار می گیرد. قانونگذار، ضمن آنکه به حکم اوضاع و احوال و عقل، اصل را بر برائت قرار داده و مدعی را مکلف به اثبات ادعای خود می داند، در برخی موارد به حکم همین اوضاع و احوال، بار اثبات را معکوس می کند و بار اثبات را بر عهده مدعی علیه یا متهم قرار می دهد. عدول از اصل برائت در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان آور است در میان باشد. وجود این امارات موجب تغییر روند دادرسی خواهد شد و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم مخدوش شده و در نتیجه به رغم عدم وجود دلیل قاطع، قاضی به روش های استثنایی دادرسی متوسل می شود. نمونه بارز توسل به روش استثنایی دادرسی در حقوق کیفری اسلام را در موارد قتل مشکوک موجب لوث می توان یافت. لوث در مواردی مطرح می شود که به رغم عدم وجود یکی از ادله عادی اثبات قتل از قبیل اقرار و شهادت، قراین و امارات ظن آور و غیرمتعارضی وجود داشته باشد که دلالت بر تحقق قتل توسط متهم کند و حاکم با توجه به این قراین و امارات به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند. در چنین مواردی حاکمیت اصل برائت نسبت به متهم زایل می شود و این متهم است که باید برای تبرئه خود بینه اقامه کند و در صورت عدم اقامه بینه، قسامه که از روش های استثنایی اثبات جرم است، اعمال می شود (مواد ۳۱۴، ۳۱۷ و ۳۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). آنچه موجب تقدم اماره ی مجرمیت بر اصل برائت و در نتیجه، معکوس شدن بار دلیل از دادستان به متهم می شود، وضعیت ویژه ای است که در جرم های جهانی وجود دارد (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴).

به عبارت دیگر، امروزه در بعضی جرم ها نظیر جرم های تروریستی، سازمان یافته و اقتصادی به دلیل پیچیدگی های این رفتارهای مجرمانه، سازمان یافتگی و تشکیلات منسجمی که این دسته از بزهکاران

دارند و برای اینکه نظام عدالت کیفری مستأصل نشود و بتواند برخورد مناسبی با این دسته از مجرمان داشته باشد، استثنائاً به جای اصل برائت، اماره ی مجرمیت حاکم شده است. پس وقتی اینگونه بزهکاران دستگیر می شوند، اصل بر مجرمیت است و او باید خلاف فرض را اثبات نماید؛ بنابراین، اگرچه در تمامی اتهاماتی که متوجه هر متهم می شود، دادستان باید با اقامه ی دلایل، توجه اتهام به متهم را اثبات کند ولی در جرم های جهانی به دلیل ماهیت و ساختار پیچیده ی آن ها، اقامه ی دلیل و اثبات چنین جرمی توسط دادستان بسیار مشکل و گاهی ناممکن می شود و همین امر، موجب تبرئه ی متهمان می گردد. نمونه ی بارز این جرم ها، پولشویی است. مرتکبان جرم پولشویی برای مخفی نگهداشتن منشأ غیرقانونی درآمد ناشی از جرم، مراحل پیچیده ای را طی می کنند، به طوریکه احراز ارتکاب جرم مقدم یا منشأ، بسیار مشکل می شود؛ بنابراین، در کنار دغدغه ی مهم فوق باید افزود که معکوس شدن بار اثبات در اینگونه جرم ها، استثنا است و باید به قدر متیقن اکتفا شود. شایان ذکر است، از منظر فقهی، آماره زمانی مقدم بر اصل می شود که امارات موجب یقین و یا لاقفل، تشخیص باشند. از اینرو، آماره ی مجرمیت نیز، زمانی مقدم بر اصل برائت می گردد که این آماره موجب تشخیص و ظن قوی باشد. در خصوص جرم های جهانی این امر پذیرفته شده است (اسعدی، ۱۳۸۶: ۴۵۶-۴۵۹).

نتیجه گیری

اصل برائت یا فرض بی گناهی متهم به عنوان یکی از اصول عام حقوقی از حیث تاریخی، فلسفی و حقوقی دارای مبانی و سابقه در حقوق کشورهای متمدن می باشد. مبانی این اصل از جهات گوناگون به طور مفصل در این نوشتار مورد شناسایی قرار گرفت. اگر چه تاریخ پیدایش این مفهوم و اصل مهم حقوقی را نمی توان به طور دقیق تعیین کرد، اما آثار و نشانه هایی از آن همواره در طول تاریخ بشریت وجود داشته است. آنچه را که امروزه حقوقدانان تحت عنوان اصل برائت به رسمیت شناخته اند با مبانی اصول اولیه آن در طول تاریخ تفاوت های اساسی یافته است به گونه ای که می توان سخن اصل تحول در اصل برائت در دنیای مدرن را به میان آورد. یکی از مهمترین این تحولات مربوط به کاربرد اصل در محاکمات جزایی بین المللی است که حکایت از چهره پراهمیت اصل و اجماع جهانی گسترده و وسیع حاصل شده ناشی از آن دارد.

اصل برائت مبین و ضامن حسن نیت به رفتارهای اجتماعی دیگران و پرهیز از سوظن به افراد و احترام به آزادی و حقوق شهروندی است. اصل برائت کیفری یکی از مولفه های اصلی فرایند کیفری است که به موجب آن همه افراد جامعه بی گناه فرض می شوند؛ مگر اینکه اتهام آن ها به موجب قانون، فراتر از هرگونه شک و تردید معقول در مرجع قضایی صالح احراز شود. با وجود حاکمیت فراگیر اصل برائت در

امور کیفری در موارد استثنایی از اعمال این اصل عدول می گردد. با تقدیم اماره مجرمیت بر اصل برائت، اثبات برائت به عهده متهم گذاشته می شود. به عبارت دیگر، بر شخص متهم است که عدم تحقق عنصر مادی یا معنوی را به اثبات رساند. متهم باید برای عدم وقوع جرم به ارائه دلیل بپردازد و اینجاست که انقلاب دعوای کیفری حاصل می شود. دعوای کیفری، از سوی قوای عمومی (دولت) و با همه اقتدار و امکاناتی که در اختیار دارد علیه متهمی اقامه می شود. در سیر دادرسی، آنچه حق را از ناحق مشخص می کند، ادله ابرازی له یا علیه متهم از سوی مداخله گران در امر رسیدگی است و بدین جهت است که دلایل رسیدگی بسیار پر اهمیت می باشد. در عین حال، محکوم کردن فرد متهم به مجازات نیز با توسل به هر شیوه ای به عنوان «دلیل» پذیرفته نیست.

پذیرش اصل برائت در راستای احقاق عدالت در دادرسی کیفری عادلانه به عنوان آرمان بزرگ و رعایت حقوق اساسی متهم را تضمین می نماید. اگرچه حاکمیت اصل برائت در حقوق کیفری به عنوان یک اصل پذیرفته شده است ولی این اصل همچون دیگر اصول و قواعد استثنای پذیر می باشد. در موارد خاصی مصالح عمومی ایجاب می کند که اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم گردد. در این صورت روند دادرسی تغییر کرده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زائل می گردد و به رغم عدم وجود دلیل قاطع قاضی به روش های استثنایی دادرسی متوسل می شود.

منظور ما از اماره مجرمیت اماره قانونی نسبی یا مطلق (قابل رد یا غیرقابل رد) است و شامل اماره قضایی که ناشی از تشخیص خود قاضی است نمی شود. اموال و ثروت های مشکوک، عواید ناشی از قاچاق مواد مخدر و پول شویی، قاعده لوٹ د جنایت، مسولیت ناشی از فراخواندن شبانه و مشکوک دیگری از محل اقامتش، عضویت در دسته یا جمعیت یا گروه غیرقانونی با هدف بر هم زدن امنیت کشور، از جمله امارات کیفری نسبی قابل رد هستند که متهم با ارائه دلیل می تواند بی گناهی خود را ثابت کند. در مورد امارات کیفری مطلق یا غیر قابل رد می توان به مصادره کل اموال در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶، ضبط اموال افراد مرتبط با گروه های محارب که از کشور خارج شده اند و رانندگی بدون گواهی و جرایم خلافی اشاره نمود.

مفهوم اماره مجرمیت یعنی عدول از اصل برائت و در نتیجه معکوس شدن بار اثبات اتهام از مقام تعقیب به عهده متهم است. عدول از اصل برائت و حاکم گردیدن اماره مجرمیت لزوماً به این معنی نیست که اگر متهم نتواند بی گناهی خود را ثابت کند، به طور قطع دادگاه وی را به مجازات اتهام انتسابی محکوم خواهد کرد؛ بلکه با فرض وجود اماره مجرمیت و ناتوانی متهم از اثبات بی گناهی خود، دادگاه تازمانی که فراتر از شک و تردید (اقتناع وجدانی) مجرمیت متهم را بر مبنای دلایل و قرائن موجود احراز نکند، نمی

تواند متهم را به مجازات مقرر محکوم نماید و تکلیف متهم در رد اماره مجرمیت و اثبات بی گناهی خود تا مرز ایجاد شک و تردید در ذهن دادگاه است، نه اقناع وجدانی دادگاه. ضمن اینکه در راستای رعایت عدالت، حفظ نظم عمومی و حقوقی افراد جامعه، اصل برائت همچنان باید به عنوان عنصر اصلی و اساسی در فرایند کیفری باقی بماند و عدول از آن و تقدیم اماره مجرمیت امری استثنایی و فقط به موجب قانون قابل توجیه است و در این صورت نیز باید امکان اثبات خلاف برای آن متهم موجود باشد.

همانطور که گفته شد ضرورت حفظ مصلحت و منفعت اجتماعی (نظم عمومی) از محورهای مهم مبانی و چرایی عدول از اصل برائت و تقدیم اماره مجرمیت است.

می توان گفت همانطور که اصل برائت به عنوان اصلی غیر قابل انکار در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است ضرورت عدول از این اصل در مواردی احساس می شود. متأسفانه در نظام حقوقی ایران بستر مناسب و مشخصی برای گنجایش موارد محدود عدول از اصل برائت فراهم نشده است و قانونگذار ما در راستای ایجاد تعامل منطقی اصلی برائت با اماره ی مجرمیت دچار تناقض می باشد. در نهایت بیان می شود که در حقوق کیفری اسلام اصل برائت به عنوان یکی از اصول عملیه و مبتنی بر عدالت حقوقی و اجتماعی مطرح شده است فلذا فرض مقدم بودن اماره مجرمیت بر اصل برائت استثناء بوده چرا که در حفظ حقوق خصوص افراد و آزادی آن ها و حاکمیت عدالت باید اصل برائت را به عنوان اصل اساسی و کلی و عام در تمامی مراحل دادرسی در نظر گرفت مگر آنکه قانونگذار مواردی را با هدف حفظ مصالح و منافع جامعه به عنوان استثناء اصل برائت پذیرفته باشد.

منابع و مأخذ

کتاب:

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، ۱۳۹۰، کتاب السرائر، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ بنجم.
۳. زراعت، عباس، ۱۳۹۳، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، جلد اول، نشر ققنوس، چاپ سوم.
۴. سرمست بناب، باقر، ۱۳۸۰، اصل برائت در حقوق کیفری، نشر دادگستر، چاپ اول.
۵. سیاح، احمد، ۱۳۰۳، فرهنگ بزرگ نوین، جلد نخست، تهران: کتاب فروشی اسلامی، چاپ نهم.
۶. صادقی، محسن، ۱۳۸۴، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، نشر میزان، چاپ اول.
۷. عالی پور، حسن، ۱۳۸۹، جرایم ضد امنیت ملی، نشر خرسندی، چاپ اول.
۸. عمید، حسن، ۱۳۴۲، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر: امیر کبیر.
۹. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، نشر: میزان، چاپ دوم.
۱۰. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۴، ادله اثبات دعوی، نشر: میزان، چاپ دوم.
۱۱. مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۸۵، ادله اثبات دعوی، نشر بایدار، چاپ نهم.
۱۲. مشکینی، علی، ۱۳۷۶، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم: الهادی، چاپ چهارم.
۱۳. مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۷، اصول فقه، جلد سوم، قم: حقوق اسلامی، چاپ دوم.

مقالات:

۱۴. احمدی، سید محمد صادق؛ شریف شاهی، محمد؛ شمعی، محمد، ۱۳۹۷، چالش های عدول از اصول راهبردی کیفری مندرج در قانون اساسی، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۷.

۱۵. استکی، کورش، ۱۳۹۷، نگرشی نو در اصل برائت در پرتو گونه های جدید بزه کاری، فقه، حقوق و علوم جزا، شماره ۸، صفحات ۳۹-۵۳.

۱۶. اکبری، عباسعلی؛ مالمیر، محمود؛ پوریافرانی، حسن، ۱۳۹۶، مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت، نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره چهاردهم، صفحات ۱-۲۹.

۱۷. امیدی، جلیل، ۱۳۷۹، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹.

۱۸. بیات، حسین، ۱۳۸۸، حق سکوت متهم، روزنامه سرمایه

۱۹. جوادی، فاطمه؛ صالحی، سید مهدی؛ قریشی، سید مهدی، ۱۳۹۸، واکاوی مبانی فقهی اماره مجرمیت در جرم پولشویی، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال پنجاه و دوم، شماره اول، صفحات ۲۹-۴۸.

۲۰. صالحی، سید مهدی؛ قریشی، سید مهدی؛ جوادی، فاطمه، ۱۳۹۷، تبیین فقهی و حقوقی جریان اماره مجرمیت در بحث قسامه، دو فصلنامه علمی - ترویجی «مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق»، سال دوازدهم، شماره ۳۸، صفحات ۵۰-۲۹.

۲۱. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، یاس از اثبات و اصل برائت، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

دانشگاه فرهنگیان
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

مصدور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(با عضویت در جلسه و حضور نام مشخص)

پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
Scientific Information Database
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information Database
  DRJI
Directory of Research Journals Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science